

از لابلای نیشته های روزمره

جدول کلمات متقاطع معضله افغانستان

جنگ تحمیلی یا صلح عادلانه

حل و فصل صلح آمیز، ضرورت زمان

بجای مقدمه و بمثابه آغاز سخن، یاد آور باید شد که تأکید بر صلح و همزیستی یکی از مهمترین آموزه های اخلاقی و انسانی بوده و در این میان، دانش روابط بین الدول بعنوان مبنای اساس مطالعه و بررسی مناسبات میان دولت ها و سازمان ها، از جمله یکی هم مسایل جنگ و صلح و نقش آنها را در نحوه عملکرد دول کشورهای مورد نظر، به بحث و مطالعه می گیرد. بگفته باروخ اسپینوزا، صلح بمفهوم نبود جنگ نیست، بلکه فضیلتی است که از نیروی جان مایه میگیرد و همانطور که آزادی بمعنی نبود زندانی نیست، صلح هم به معنی نبود جنگ نمی باشد. مفهوم صلح رابا آتش بس نباید به اشتباه گرفت. رسیدن به صلح دریک جنگ بطور کلی به دو روش میسر می باشد. جنگیدن و وادار کردن طرف مغلوب به پذیرش صلح، خود یکی از راه های رسیدن به صلح است که به صلح رومی معروف می باشد. در این وضعیت، طرف پیروز ویا مجموعه ای از قدرتهای بیطرف، شرایطی را بمثابه شرایط صلح تنظیم می نمایند که معمولاً بنفع طرف پیروز می باشد. راه دیگر رسیدن به صلح به کمک مذاکرات سیاسی و با کمک فعالان صلح می باشد. در واقعیت امر، همیشه جنگ ها و مناقشات وجود داشته اند و بوجود میآیند و آنچه صلحدوستان دنیا بدنبالش هستند، ترک مناقشات و برقراری صلح می باشد.

چه خوب گفته اندکه: "دنیا تو هستی و دنیا ازتوجدا نیست. دنیا با تمام مشکلاتش از پاسخ های توشکل یافته است، بنابراین، راه حل در ایجاد مشکلات تازه نیست."

در این ارتباط بیجا نخواهد بود تا علل باورمندی به پروسه صلح جدیداً آغاز شده و افزایش اهمیت آنرا که میان چهار بازیکن اصلی - افغانستان، پاکستان، چین و ایالات متحده در اسلام آباد تداوم حاصل نمود، مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم.

ابلاغیه نهایی که در ختم مذاکرات بنشر رسید، اما چندان جذاب بنظر نمی رسد، از جمله در بخشی از آن چنین تذکر بعمل آمده: "شرکت کنندگان براین مسأله تأکید ورزیدند که هرچه عاجلتر، مذاکرات

مستقیم میان نمایندگان دولت افغانستان و نماینده های "طالب"ها بمنظور تداوم پروسه صلح و آشتی با حفظ وحدت افغانستان و احترام به استقلال و تمامیت ارضی کشور، انجام پذیرد." یک هفته قبل از گفتگوهای اسلام آباد، صحبت های بسیار آموزنده ای با عده ای از افغان ها در خلیج فارس صورت گرفت، برای نخستین بار، پس از آنکه یخ های سالها سال بی اعتمادی درز برداشت و شکسته شد، نیات قوی در مسأله مورد بحث تبارز یافت و دونفر نماینده "طالب"ها که اکنون در قطر می باشند، آمادگی شانرا بمنظور انجام دیدار و گفتگوهای تنهایی با فرستادگان خاص چین و پاکستان بدون مداخله ایالات متحده، ابراز داشتند. این بخودی خود، ستراتیژی مرتبه توسط همکاری های شانگهای برهبری روسیه و چین بمنظور ایجاد و تحکیم صلح پایدار و حل این جدول کلمات متقاطع، بمثابة حل و فصل معضل و مشکل موجود در قلمرو آسیایی، محسوب می گردد. چین بصورت مشخص و بنحوه قطعی خواهان حل و فصل هرچه سریعتر این معما می باشد.

پس از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، اینک از تداوم جنگ در کشور ما چهارده سال سپری می گردد. در بهترین حالت، پنتاگون نیازی به تکرار دایمی بودن "آزادی پایدار" ندارد. هیچ برنده ای در این جنگ موجود نمی باشد. پس از توقف مذاکرات صلح و بخصوص پس از اعلام خبر مرگ ملا محمد عمر، رهبر "طالب"ها که دو سال قبل اتفاق افتاده بود، "طالب"ها به دسته های جداگانه ای تقسیم گردیدند.

باید متذکر گردید که همه مسایل و موارد، بمثابة یک مجموعه وکل بهم پیوسته، به همکاری صادقانه کابل و اسلام آباد مرتبط می باشد. در چنین یک وضعیتی، تهران تأکید می ورزد که تروریسم برای ایران و افغانستان بمثابة تهدید جدی تلقی میگردد و اسلام آباد در مورد پروسه صلح، در صدد آن است تا بصورت مخفی، مسایل و موارد مربوط به پروسه یاد شده را با همه مقامات رسمی پاکستان بصورت جدی مورد بحث و گفتگو قرار دهد. نواز شریف صدراعظم پاکستان، تأکید می ورزد که کشورش همچنان به ایجاد صلح و سلم و رشد اقتصادی افغانستان متعهد می باشد. اما آگاهان امور، در مورد اظهارات ارائه شده توسط زمامداران پاکستان، شک و تردید دارند.

زمانیکه تلاش های غیر رسمی بمنظور راه اندازی پروسه صلح بسال ۲۰۱۲ در دوحه با شرکت هفت تن از نمایندگان "طالب"ها آغاز گردید، در اینجا، گروه های مخالف از اینکه کابل، در باره مسأله مورد بحث، مذاکرات با اسلام آباد را ترجیح داد، خشمگین بودند. می توان گفت که موضع رسمی "طالب"ها از جانب خود شان چنین تعریف می گردد که آنها از رهگذر سیاسی و نظامی از اسلام آباد مستقل می باشند. متذکر باید گردید که بیشترین تعداد هموطنان ما از اصل متن مذاکرات میان کابل و اسلام آباد و مسایل مربوط به این دید و بازدیدها کوچکترین اطلاعی ندارند، از جمله موارد مطرح شده، یکی هم ارائه طرح دولت پاکستان، بجانب دولت افغانستان در مورد تعلیم و تربیه نظامیان کشور در مراکز و قرارگاه های آن کشور از خطرناکترین امتیازاتی است که دولت افغانستان به نظامیان پاکستان قائل می گردد. پاکستان در صدد است تا نقش متعادلی در بازی کنونی منطقه داشته باشد.

نباید فراموش نمود، گروه حقانی که واشنگتن آنرا در زمره گروه های تروریستی محسوب می نماید، بصورت مطمئن و بدون دغدغه خاطری در منطقه قبایلی پاکستان موقعیت اختیار نموده و از آنجا علیه دولت افغانستان به انجام فعالیت های تخریبی اش همچنان ادامه می دهد و اگر "طالب"ها به میز مذاکرات صلح حاضر گردیده و به پروسه مصالحه بپیوندند، در چنین صورتی با پاکستان متحد شده و بر گروه هایی از "طالب"ها که با پذیرفتن مشروعیت ملا منصور بدورش حلقه زده اند، نیز اثر گذار خواهد بود.

از جانب دیگر، ظاهراً مسأله دیگری که نظامیان پاکستان و آی.اس.آی. با آن مواجه می باشند، یکی هم اینکه همه آنها می خواهند بدانند که درگیری های پیهم، سرنوشت "طالب"ها را به کجا خواهند کشاند و ازجانبی هم این ناآرامی های درحال گسترش تا چه زمانی دامنگیر پاکستان خواهد بود و راه و چاره بمنظور رهایی و استخلاص از این معضل در کجا نهفته می باشد و چسان میتوانند کشورهای دیگر را در این مشکل دخیل نمایند. بهمین منظور، چندی قبل راحیل شریف، جنرال نیرومند اردوی پاکستان، شخصاً به افغانستان سفر نموده که مطابق تحلیل نظامی ها و اشخاص و افراد شاغل در امور حربی، هدف سفر نامبرده را عمدتاً تسلیم بلاقید و شرط افغانستان و قرار دادن کشورما در گرو "عمق ستراتیژیک" تشکیل میداد.

بدینترتیب دراصل، مذاکرات و گفتگوهای بین الافغانی ادامه می یابد. حزب اسلامی برهبری گلبدین حکمتیار که یکی از بازیکنان کلیدی محسوب می گردد، نیز به اصل مذاکرات یادشده علاقمندی نشان داده است. اما حزب نامبرده تأکید ورزیده که پروسه یادشده درکل، باید افغانی بوده و توسط افغانها صورت گیرد که بمفهوم عدم مداخله پاکستان تلقی می گردد. حکمتیار، بوضوح نگران نقش و موقعیتش در آینده می باشد.

عده ای از علاقمندان امور معتقدند که با انتقال از "طالب"ها به "خلافت اسلامی" (داعش) درکشور، فتنه بیش از پیش تعمیق می گردد. بسیاری ها داعش را بمثابة تبلور سیاست خارجی اسلام آباد می پندارند تا با استفاده ابزاری از آن، پاکستان به منابع غنی در آسیای میانه، چین و روسیه دسترسی داشته باشد.

مسأله متذکره اگر با موجودیت خط لوله گاز مورد مقایسه قرار داده شود، اندکی تصنعی بنظر می رسد. نباید فراموش نمود که کابل، بصورت مجموعی، به تعداد هفت هزار نفر از نیروه های امنیتی بمنظور حفاظت از خط لوله گاز تاپی ضرورت دارد. ارزش مجموعی خط لوله گاز تاپی که از ترکمنستان آغاز وبا عبور از افغانستان به پاکستان و هندوستان خاتمه می یابد، به مبلغ ده میلیارد دالر و طول مجموعی این خط لوله به ۱۸۰۰ کیلومتر بالغ می گردد. چنین فرض گردیده که کار انتقال آن در ماه دسامبر سال ۲۰۱۸ به اتمام رسد. اگر نگاه خوشبینانه در مورد داشته باشیم، باید کار بزرگی در مسیر خط لوله گاز، از جمله عملیات وسیع مین پاکی باید سازماندهی گردد که قرار است تا طی ماه حمل سال آینده، این کار صورت گیرد.

در این مقطع قابل یادآوری می باشد که مایکل مریلی، رئیس قبلی سی.آی.ای. یادآور گردید که "پس از آنکه "باز سازی افغانستان" مطرح بحث قرار گیرد، در اینباره مجدداً بحث بعمل خواهد آمد که چه تعداد از نیروه های نظامی باید به موجودیت شان در افغانستان ادامه دهند."

پنتاگون درصدد است تا تداوم مأموریت ده هزار نفر از نظامیان ناتو در افغانستان رسمیت یابد. جان کمپل، قوماندان نیروه های ناتو در افغانستان معتقد است که موجودیت تعداد ده هزار نفر از نیروه های ناتو در افغانستان و حتی بیشتر از آن، بمثابة ضرورت فوری تلقی می گردد. بگفته جان کمپل، عملیات "آزادی پایدار" باید بصورت دوامدار ادامه یابد، چه، پنتاگون عملاً تشخیص داد که در واقعیت امر، نیروه های امنیتی افغانستان قادر بدان نیستند تا به تنهایی به اجرای فعالیت های موثر حربی مبادرت ورزند. بنأء، چندی قبل، اعلام داشت که امنیت در افغانستان بیش از هر زمان دیگر مورد تهدید قرار گرفته و تداوم چنین حالت، آنها را مجبور به بازگشت به هلمند نمود.

چند روز قبل از ملاقات و نشست در اسلام آباد، نیروه های خاص ایالات متحده با تحت پوشش قرار دادن نیروه های امنیتی افغان، در هلمند وارد درگیری بزرگی با "طالب" ها گردیدند که در نتیجه، افراد ملکی بیدفاع تحت آتش گلوله باری های طرفین، بصورت متقابل قرار گرفتند. متذکر باید گردید که "طالب" ها بخش هایی از افغانستان را نیز تحت تسلط و کنترل خویش قرار داده اند.

قابل یادآوری می باشد که در نهایت امر، همه به هلمند وارد می گردند، چرا به هلمند؟ چون شرکت سازمان های معلوم الحال غربی در امر تجارت مواد مخدر در این ولایت افغانستان، مبالغ هنگفت مادی و پولی را برای آنها ببار می آورد و امریکایی ها اصلاً نمی توانند از این کار منصرف گردند.

مسأله قابل ذکر دیگر را نباید فراموش نمود که شماری از گروه "طالب" ها در قطر برای نخستین بار آمادگی شانرا بمنظور شرکت در مذاکرات صلح با طرح پیش شرط هایی اعلام داشتند از جمله:

- برسمیت شناختن دفتر سیاسی این گروه در قطر؛
- خارج کردن نام رهبران این گروه از لیست سیاه سازمان ملل متحد؛
- حذف جوایز تعیین شده برای بازداشت یا از بین بردن آنها؛
- آزادی زندانیان "طالب" ها؛
- پایان دادن به "تبلیغات زهر آگین" علیه این گروه.

با این حال برخی از محافل سیاسی باور دارند که "طالب" ها بدون مشوره و اجازه استخبارات پاکستان، نمی توانند در مورد مذاکرات صلح تصمیم بگیرند و نیاز است که بیشتر پاکستان طرف مذاکره باشد تا گروه های هراس افکن.

ارگ ریاست جمهوری افغانستان طی اعلامیه ایی متذکر گردید که مردم کشور گفتگو با گروه هایی را که شرط بگذارند، قبول نمی کنند. دفتر ریاست جمهوری کشور همچنان یادآور شد که حکومت با گروه هایی بمنظور صلح در کشور مذاکره می کند که خشونت و جنگ را ترک گویند. "ما با گروه هایی گفتگو می نمایم که خشونت را ترک گفته، به اعمال تروریستی متوسل نگردیده و نورم های بین المللی را بمثابه اصل غیرقابل تفکیک در گفتگوهای صلح بپذیرند. ولی گفتگو را با گروه هایی که شرط بگذارند، مردم افغانستان نمی پذیرند."، همچنان بصورت مشخص در مورد حذف نام اعضای "طالب" ها از فهرست سیاه سازمان ملل اشاره بعمل آمده و چنین خاطر نشان گردید که چنین اقدام به تصمیم یک فرد و گروه مربوط نیست و معیارهای خاص خود را می طلبد.

"طالب" ها، شرایط متذکره را طی نشست دو روزه ای که به ابتکار نهاد تحقیقاتی "پگواش" در دوحه پایتخت قطر برگزار شد، بیان کرده اند. نهاد متذکره از طرفهای درگیر جنگ در افغانستان، شماری از نمایندگان پارلمان و فعالان مدنی افغان دعوت کرده بود تا در این نشست شرکت نمایند، اما دولت افغانستان این دعوت را نپذیرفت. دولت افغانستان گفته است در حال حاضر، تلاشهای رسمی برای آغاز گفتگوهای صلح از جانب گروه چهار جانبه هماهنگی در جریان است و برگزاری نشست "پگواش" در این زمان "مناسب و ضروری" نمی باشد.

با این حال، برخی از محافل سیاسی عقیده دارند که "طالب" ها بدون مشوره و اجازه استخبارات پاکستان نمیتوانند در مورد مذاکرات صلح تصمیم بگیرند و نیاز است تا بیشتر پاکستان طرف مذاکره باشد تا گروه های هراس افکن. عمده ترین خواست دولت افغانستان از مخالفان بمنظور آغاز مذاکرات، پایان خشونت

"طالب"ها در کشور می باشد. نباید فراموش نمود که افغانها با انگیزه انتقامجویی نمی جنگند، بلکه این جنگ و انتقامجویی از جانب دشمنان این مرز و بوم و بمنظور انتقام از مردم افغانستان بوده که در چنین وضعیتی، دولت افغانستان خطرات جدی پیشرو خواهد داشت.

دولت افغانستان اعلام نمود که چگونگی گفتگوهای صلح در نشست های چهارجانبه دنبال خواهد شد و دولت افغانستان با گروه هایی صلح می نماید که از خشونت و انجام اقدامات نظامی علیه همدیگر اجتناب ورزند.

بیست و نهم ماه جنوری سال ۲۰۱۶